

بررسی کارکرد اجتماعی شعر و ادبیات

سهیلا کبیری

کارشناس ارشد ادبیات؛ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، شهرکرد، ایران

چکیده

هنر از آنجا که زاینده اندیشه و احساس آدمی است، قدمتی به درازای خلقت بشر دارد. این ویژگی که گوهری بی بدیل از وجوه عالی تمایز آدمی از نوع حیوان است و از این منظر، معجزه بزرگ آفرینش است که خداوند به واسطه آن بر خود آفرین فرستاده، بدان مباحثات می‌کند (تبارک الله احسن الخالقین) ادبیات نیز که می‌توان آن را عالی‌ترین مظهر تظاهرات هنری دانست از چنین قدمتی بهره‌ور و آفای دارد و همگام با خلقت و رشد عقلی، اجتماعی و فرهنگی انسان شانه به شانه تاریخ سائیده است. کسی به حقیقت نمی‌داند اولین جملات ادبی را کدامین بشر و در کدام عصر ابراز نمود؟ اما آیا آدم ابوالبشر در نیایش‌های تضرعانه خویش نکوشیده است تا با کلامی زیباتر و متفاوت از کلام معمول، خداوند را بستاید و عذر گناه خویش طلب کند؟ از آن زمان که انسان اولیه به غارها روی آورد و کوشید تا منویات خود را بر دیوارهای سنگی نقاشی کند، می‌دانست که باید ابزاری موثرتر برای ابراز آنچه در درون او می‌گذشت بیابد و این نیاز مشق اولیه هنر و به تبع آن ادبیات بود. «ویل دورانت» در خصوص پیدایش ادبیات می‌گوید: «ابتدای مرحله انسانیت را باید هنگام پیدایش کلمه و کلام دانست. با همین وسیله بود که انسانیت انسان آشکار شد. ادبیات علی‌رغم آنچه از خود این کلمه بر می‌آید و دلالت بر نوشته و حروف می‌کند، در آغاز پیدایش بیشتر کلماتی بوده که گفته می‌شده، نه حروفی که نوشته می‌شد. ادبیات از آوازه‌ها و ترانه‌های دینی و طلسم‌های ساحرانه سرچشمه می‌گیرد که معمولاً کاهنان آنها را تلاوت می‌کرده‌اند و از دهنی به دهنی انتقال می‌یافت». با تشکیل اولین اجتماعات بشری و رشد روابط عقلی و عاطفی انسان، ادبیات نیز به صورت‌های مختلف رخ نموده تا حاصل دغدغه‌های درونی آدمی باشد. کلام ادبی که از سرودهای موزون دینی آغاز گردیده بود به تدریج نسج و گسترش یافت و در طی قرون، شقوق مختلف ادبیات را نظیر داستان، ضرب‌المثل، افسانه‌های دینی و حماسی، نثرهای ادبی و بالاخره شعر که عالی‌ترین نوع از انواع ادبی است پدید آورد و هر یک از این انواع، جایگاه مستحکمی در میان اقشار مختلف جامعه به دست آوردند و آنچنان با زندگی روزمره بشر گره خوردند که گویی با ملزومات حیات نظیر آب، غذا، مسکن و هوا همراهی می‌کنند و شعر و کلام منظوم در این میان گوی سبقت را از سایر انواع روده است. با نگاهی اجمالی به تاریخ ادبیات، ردپای شعر را در تمامی قرون و

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۸۵X

دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

Print ISSN: ۲۵۳۸-۲۰۹۸

www.irijournals.com

صفحات ۷۱-۵۲

اعصار و در میان تمامی اقشار جامعه به وضوح می‌بینیم. از مسجد و کلیسا و کنیسه گرفته تا قهوه خانه و بازار و دربار سلطان، همه جا شعر با کارکرد خاص خویش حضور دارد.

واژه‌های کلیدی: کارکرد اجتماعی، شعر، ادبیات

مقدمه

از سیر تحول شعر و فراز و نشیب‌های تاریخی آن که بگذریم، در خصوص جایگاه ادبیات در اجتماعات امروزی و کارکردهای مختلف آن موارد بسیاری را می‌توان برشمرد که در ذیل نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم؛

۱- آمیختگی کلام روزمره با سخن ادبی:

ادبا وجه تمایز کلام ادبی بخصوص شعر را با سخن معمول، خیال‌انگیزی و بهره‌مندی آن از آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی می‌دانند. احساس و اندیشه متمایزی که بر روح ادبیات حاکم است، کلامی را پدید می‌آورد که با سخن روزمره متفاوت است اما امروزه مرز میان این دو به باریکی مویی است و شاهد آن، کثرت استعمال ابیات و مصراع‌هایی است که در طول زمان به صورت ضرب‌المثل در آمده و در محاورات مختلف استفاده می‌شود.

هنر از آنجا که زاینده اندیشه و احساس آدمی است، قدمتی به درازای خلقت بشر دارد. این ویژگی که گوهری بی‌بدیل از جوه عالی تمایز آدمی از نوع حیوان است و از این منظر، معجزه بزرگ آفرینش است که خداوند به واسطه آن بر خود آفرین فرستاده و بدان مباحث می‌کند. «تبارک الله احسن الخالقین» ادبیات نیز که می‌توان آن را عالی‌ترین مظهر تظاهرات هنری دانست از چنین قدمتی بهره‌وفی دارد و همگام با خلقت و رشد عقلی، اجتماعی و فرهنگی انسان، شانه به شانه تاریخ سائیده است. کسی به حقیقت نمی‌داند اولین جملات ادبی را کدامین بشر و در کدام عصر ابراز نمود؟ اما آیا آدم ابوالبشر در نیایش‌های تضرعانه خویش نکوشیده است تا با کلامی زیباتر و متفاوت از کلام معمول، خداوند را بستاید و عذر گناه خویش طلب کند؟ از آن زمان که انسان اولیه به غارها روی آورد و کوشید تا منویات خود را بر دیوارهای سنگی نقاشی کند، می‌دانست که باید ابزاری مؤثرتر برای ابراز آنچه در درون او می‌گذشت بیابد و این نیاز مشق اولیه هنر و به تبع آن ادبیات بود.

مبانی نظری

آمیختگی کلام روزمره با سخن ادبی

ادبا وجه تمایز کلام ادبی به خصوص شعر را با سخن معمول، خیال‌انگیزی و بهره‌مندی آن از آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی می‌دانند. احساس و اندیشه متمایزی که بر روح ادبیات حاکم است، کلامی را پدید می‌آورد که با سخن روزمره متفاوت است.

ادبیات و ارتباطات گسترده اجتماعی

این موضوع را می‌توان از شاخه‌های مختلف به وجود آمده در ادبیات مانند ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات بزرگسالان، شعر بانوان و... یافت. کودکان از دوران طفولیت به وسیله لالایی‌ها، مثل‌ها، افسانه‌ها و داستان‌های شیرین کودکانه با دنیای رنگین ادبیات آشنا می‌شوند و در صورت علاقه در تمامی مراحل سنی اعم از نوجوانی، جوانی و کهنسالی همواره اشعاری متناسب با سن و نوع اندیشه و ذوق خویش می‌یابند و هرگز کمبودی از این حیث وجود نخواهد داشت.

هیچ طبقه و قشری از اجتماع نیست که از شعر، ضرب‌المثل و داستان بهره خاص خویش را نبرده باشد. رانندگان خودروها همواره در پشت خودرو خود اشعار خاصی را می‌نویسند که نمایانگر نوع بینش این طبقه است و در صورت گردآوری می‌توان بدان نام ادبیات جاده‌ای یا پشت کامیونی نهاد. کارگران و بناها، اشعار مخصوصی را در هنگام کار زمزمه می‌کنند.

به همین ترتیب طبقات دیگر نظیر ملوانان، کشاورزان، ماهیگیران، نمدمالان و... هر یک اشعاری متناسب با نوع شغل و نوع نگرش خود دارند. جایگاه شعر در میان طبقات بالای اجتماع و افراد با سواد نظیر علما، عرفا، وعاظ، محصلان، مدرسان، اهل سیاست و غیره نیز که روشن و واضح است و نیاز به اثبات ندارد.

گره‌گشاهی ادبیات گاه در روند روزمره زندگی، مشکلاتی پیش می‌آید که کلام ادبی در حل آن، مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم دارد.

نظامی عروضی در چهار مقاله داستانی را نقل می‌کند که ذکر خلاصه‌ای از آن خالی از لطف نیست؛ امیرنصربن احمد سامانی که معاصر رودکی است، سالی به هرات سفر می‌کند تا فصلی را در آنجا اقامت نماید. آب و هوای خوش و نعمت‌های فراوان باعث می‌شود تا پادشاه سامانی بازگشت خویش را به تأخیر افکند و با دفع الوقت، چهار سال در هرات بماند. لشکریان و همراهان خسته از فراق خانواده و شهر و دیار، در حالی که هیچ یک جرأت درخواست مراجعت از پادشاه را ندارند به رودکی، شاعر بزرگ دربار سامانی متوسل می‌شوند تا در ازای دریافت پنج هزار دینار، پادشاه را مایل به بازگشت به بخارا کند. از این جا به بعد داستان از زبان نظامی شنیدنی است، رودکی قبول کرد، او می‌دانست که نثر در امیر اثر نکند، به نظم روی آورد. قصیده‌ای بگفت و به وقتی که امیر به شراب نشسته بود در آمد و به جای خویش بنشست، چنگ برگرفت و در پرده عشاق این قصیده آغاز کرد:

چون رودکی بدین بیت رسید، امیر چنان منفع‌گشت که از تخت فرود آمد و بی کفش، پای در رکاب اسب آورد و رو به بخارا نهاد چنان که کفش و اسباب او را دو فرسنگ در پی امیر بردند و آنجا در پای کرد و عنان تا بخارا هیچ جای باز نگرفت. مشابه این واقعه البته به صورت دیگر شاید در زندگی اغلب ما وجود داشته باشد. چه بسیار اختلافاتی که با سخنان حکمت آمیز یا نصایح ادبی بزرگی برطرف می‌شود و در این میان شعر، داستان‌های حکمی، سرگذشت‌ها و ضرب‌المثل‌ها نقش تعیین کننده‌ای دارند.

شعر بهترین ابزار آموزش

شعبات مختلفی از علوم ادبی و معرفتی، شعر را بهترین ابزار آموزش خویش یافته‌اند. عرفای بزرگ همچون مولانا، حافظ، عطار و دیگران ناب‌ترین آموزه‌های عرفانی خود را به رشته نظم کشیده‌اند و شیخ اجل سعدی، تلخی نصایح اخلاقی و اجتماعی را با شهد شعر به مذاق طالبان، شیرین و گوارا نموده است. در برخی موارد صاحبان ذوق حتی علوم دیرپا و مشکل نظیر صرف و نحو عربی را به صورت شعر در آورده‌اند مانند الفیه ابن مالک که تمامی صرف و نحو عربی را در هزار بیت به رشته نظم کشیده و یا کتاب نصاب الصبیب اثر ابونصر فراهانی که لغات و اصطلاحات عربی را در قالب شعر فارسی آموزش می‌دهد. در علم نجوم نیز به اشعاری این گونه بر می‌خوریم چنان که شاعری دوازده برج فلکی را در بیتهای این گونه آورده است:

چون حمل چون ثور چون جوزا و سرطان و اسد *** سنبله، میزان و عقرب، قوس و جدی و دلو و حوت و یا شاعر دیگری، ماه‌های رومی را این گونه به نظم در آورده و یادگیری آن را آسان نموده است؛

دو تشرین و دو کانون و پس آنکه *** شباط و آذر و نیسان ایار است

حزیران و تموز و آب و ایلول *** نگهدارش که از من یادگار است

شعر؛ بهترین وسیله ابراز احساسات؛

ناگفته پیداست که شعر هرگاه به کمک آموزش آمده، فراگیری علوم را سهل و راحت نموده است. شعر و ادبیات، زبان حالات گوناگون بشر است. چندان که می‌توان از ابیاتی که شخص بر زبان می‌آورد به شرایط روحی او در آن لحظه پی برد. انسان در لحظات شادی ابیاتی نشاط انگیز بر زبان می‌راند و این گونه خرسندی خویش را ابراز می‌کند و یا بر عکس، در لحظه‌های اندوه و غم ابیات حزن انگیز و محزون. این حرکت در واقع نوعی تخلیه انرژی مثبت یا منفی است و به صورت یک کنش طبیعی در اغلب افراد اجتماع دیده می‌شود. گاه حتی از طریق اشعاری که شخص بر زبان می‌آورد می‌توان به سطح فکر، شخصیت، میزان اعتقادات و یا حتی طبقه اجتماعی فرد پی برد. پس می‌توان به راحتی عنوان نمود که شعر بهترین معرف شاعر خود و یا کسی است که آن را قرائت می‌کند. آنچه گذشت تنها گوشه‌ای از کارکرد اجتماعی شعر و ادبیات و نقش و جایگاه این هنر شریف و اساطیری در میان لایه‌های مختلف اجتماع است که حکایت از پیوندی گسست ناپذیر با زندگی روزمره بشر دارد و بی شک موارد بسیار دیگری را می‌توان بر آن افزود.

نقش شعر در افزایش خلاقیت و پرورش هوش هیجانی کودکان

باتوجه به اینکه یکی از فعالیتهای اساسی که کودکان با آن می‌توانند در دنیای سرشار از تخیل قرار گرفته و افکار و احساسات و تأثرات خود را بیان کنند، شعر است پس بی‌شک، شعر، عرصه دیگری است که میل به خلاق بودن را در کودک ارضا خواهد کرد.

هر کدام از ما کمابیش با بلبل زبانی کودکان به ویژه در خواندن شعر، آشنا بوده و لذت برده‌ایم. اما فقط تا این حد آشنایی بزرگترها با شعر کافی به نظر نمی‌رسد. بهتر است ابتدا به طرح پرسشهای اساسی در این زمینه بپردازیم: آیا در خواندن شعر برای کودکان هدف این است که آنها را شاعر بار بیاوریم؟ یا قرار است روح آنها را تلطیف کنیم، یا آنها را خلاق بار بیاوریم؟

شعر کودک

شعر برای کودکان، درست مثل قصه‌های عامیانه دارای معنایی پنهانی است که خوانندگان خردسال همیشه نمی‌توانند به آن پی‌ببرند. کودک بزرگ می‌شود و شعرهایی را که در حافظه او نقش بسته است دوباره به یادش می‌آورد یا به نوعی دیگر، آنها را می‌فهمد پس باید در شعرهای او جایی برای اندیشیدن وجود داشته باشد.

دکتر برنات ردافی در کتاب "پرورش تخیل و خلاقیت کودکان چنین اشاره می‌کند: "کودکان، خلاق و مبتکر به دنیا می‌آیند، اشخاص بسیاری معتقدند که آنان خلاق‌تر از بزرگسالان هستند، زیرا مغزشان در مجموعه راه و روشهای معمول مشاهده مسائل حبس نشده است، یا تحت فشار پیروی یا اجبار منطقی قرار نگرفته‌اند.

کودکان پیش‌دبستانی از شنیدن شعر لذت می‌برند، نه به خاطر اینکه با معنی شعر و یا صناعات ادبی آشنا هستند، آنها با آهنگ شعر می‌خکوب می‌شوند، با ریتم موجود در شعر به جنبش و جوشش درمی‌آیند، شاد می‌شوند و حرکت را تجربه می‌کنند.

حال اگر پا را کمی فراتر گذارده، علاوه بر موسیقی مستقر در شعر آنها را با موضوع، یا به اصطلاح قصه شعر آشنا کنیم، آنگاه لذتشان، دوچندان خواهد شد. زیرا کودکان سرشار از تخیل هستند.

خیال و درک آن در پرورش استعداد و شخصیت کودکان بسیار مؤثر است و به آنان آزادی عمل و سرعت می‌دهد و برتر از آن، کودکان را هوشمند باریمی‌آورد. ریزبینی، دقت و کنجکاوی، حاصل از تخیل و خیال‌انگیزی است.

ویژگیهای مناسب برای شعر کودک

به هر کودک دقت کنید این سه ویژگی را در او به صورت بارز می‌بینید: اول این که کاملاً احساسی است. دیگر این که قدرت تخیل زیادی دارد و در دنیای خیال زندگی می‌کند و سوم آنکه بسیاری از حرفها و حرکات او از وزن و آهنگی خاص برخوردار است. این سه ویژگی، کم و بیش در شعر هم وجود دارد. شعر نیز با احساس سروکار دارد، اگر تأثیر می‌گذارد و حتی حرکت ایجاد می‌کند از راه احساس وارد می‌شود و بر عقل چیره می‌گردد. احساسات کودک قبل از عقل او ظهور می‌کند و بهره‌برداری از سرمایه‌های عاطفی طفل خیلی زودتر از ذخایر عقلی او شروع می‌شود. بچه در موقعی که هنوز مسائل علمی و استدلالی را درک نمی‌کند مطالب عاطفی را می‌فهمد.

گلن در کتاب "هوش هیجانی‌اش" می‌گوید: ما به طور ناخودآگاه، احساساتی را که از فردی دیگر مشاهده کردیم تقلید می‌کنیم به این صورت که ناخودآگاه از حالتهای چهره، اندام، آهنگ صدا و دیگر نشانه‌های غیرکلامی احساسات دیگران، الگو می‌گیریم.

همچنین شعری نیست که وزن و آهنگی نداشته باشد. اشتراک این سه ویژگی، میان شعر و کودک باعث می‌شود که کودکان شعر را بیشتر دوست داشته باشند. با شعر زندگی کنند با شعر بیدار شوند، بخوابند و بازی کنند. از این رو شعر در ادبیات کودکان جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. شعر باید هدفش مشخص و معین و زبان آن قابل فهم و درک باشد. موضوع شعر باید مربوط به دنیای کودک باشد.

دنیای کودک و دنیای شعر، دو جهان نزدیک به هم یا شاید پیوسته به هم باشد، شعر کودک، کلامی است موزون و زیبا، موضوع شعر، باید قابل درک باشد و مربوط به دنیای کودک.

موضوع شعر باید متأثر از خصوصیات سنی شنوندگان، علاقه‌مندی آنها، نیازمندیهای روانی و تجربیات قبلی کودکان باشد. به عبارت دیگر، شاعری می‌تواند در دنیای شعر کودکان موفق باشد که بتواند افق ذهنی و احساسی کودکان را وسعت بدهد و بداند که شعر روان و ساده گفتن با آسان گرفتن این هنر، تفاوت دارد.

هر شعر باید مقدمه‌ای برای ایجاد اشتیاق در کودکان برای خواندن اشعار عمیق‌تر یا مفاهیم عالی‌تر باشد. شعر کودک باید در جهت تحول و تکامل فکری کودکان گام بردارد. شعر خوب یکی از انگیزه‌های اصلی کودکان به خواندن آثار ادبی است.

وزن، قافیه و موسیقی در شعر کودکان

کودک هرچه کوچکتر باشد باید صنایع شعری در اشعار او کمتر و ساده‌تر باشد. توصیفهای طولانی در شعر کودکان جایز نیست، زیرا مانعی بزرگ برای لذت بردن از شعر است. طول مصراعهای اشعار کودکان و نوجوانان باید کوتاه باشد. هرچه قافیه شعر کودکان غنی‌تر باشد بهتر است، یعنی هرچه هماهنگی لفظی کلمات دو مصراع یک بیت شعر، به آخرین هجای آخرین کلمات هر مصراع خلاصه نشود و هماهنگیهای دیگری نیز در میان کلمات مصراعها وجود داشته باشد قافیه غنی‌تر است و برای بچه‌ها مناسب‌تر.

شعر کودکان نمی‌تواند دارای تشبیهات پیچیده باشد، زیرا از توان و ظرفیت فکری کودکان دور خواهد ماند. شعر باید دارای آهنگ و موضوعی مربوط به کودکان و در حد توان فکری آنها باشد. آراستن شعر کودک و نوجوان به تمام صنایع لفظی و معنوی شعر بزرگسالان ضروری نیست.

حجم شعر کودکان دبستانی

شعر کودکان باید کوتاه باشد تا خسته‌کننده و ملال‌انگیز نباشد به طور معمول طول شعر در رغبت کودکان به خواندن شعر مؤثر است، تعداد ابیات شعر آنقدر نباید زیاد باشد که خواننده کم‌سن و سال شعر را نیمه‌کاره رها کرده، از خواندن آن صرف‌نظر کند.

شخصیت نوجوان داستان‌ها برای بیان افکار محرمانه خود یا افکار آزاردهنده از دفتر خاطرات استفاده می‌کنند. در این مکان خاص که محل یادداشت‌های خصوصی است، گذر از تمامی مراحل سخت تصمیم‌گیری توصیف می‌شود. این دفتر پر از رازهای درونی است. در زیر این پوشش که جز خود به کس دیگر نمی‌توان اعتماد کرد نوجوان فضایی را می‌آفریند که خواننده خود را در آن می‌یابد.

فهم این نوشته‌ها آن قدر که به نظر می‌رسد آسان نیست. چون شخصیت داستان همیشه به یک ساختار اهمیت نمی‌دهد. برای مثال در روایت یک چیز نوع نوشتار از نوجوانی به نوجوان دیگر فرق می‌کند؛ اما ساختار آن مثل یادداشت‌های خصوصی است و اینجاست که نزدیکی بین نامه‌ها و یادداشت‌های خصوصی معلوم می‌شود. نهایتاً (گرایش) نوجوان به نوشتن در یک برهه از زمان عموماً به یک جست و جو ارتباط دارد او به دنبال ابراز وجود است.

الف) اشکال مختلف نوشتن:

شخصیت نوجوان روش خاصی را برای نوشتن انتخاب نمی‌کند. آن‌ها روشی را برمی‌گزینند که به نوشتن سوقشان بدهد. با این وجود می‌توان تفاوت‌هایی بین نوشته‌ها در نظر گرفت. خاطره‌نویسی با نامه‌نگاری متفاوت است. چون نامه‌ها هرچند که محرمانه باشند برای یک مخاطب نوشته می‌شود. نوجوانان دارای سطحی از زبان هستند که با سن آن‌ها مطابقت دارد. آن‌ها بین افکار کودکی و نوجوانی در نوسان به سر می‌برند بنابراین زبان آن‌ها متأثر از این نوسان است. عامل مهمی که بر نوع نگارش تأثیر می‌گذارد تنها (مخاطب) است. اگر نوجوان خواننده‌ای را برای نوشته‌هایش در ذهن داشته باشد نمی‌تواند به توصیف خود بپردازد.

ب) شرایط نوشتن:

گرچه انواع مختلفی از نوشتار وجود دارد؛ اما باید شرایط متفاوتی هم حاکم باشد تا این نوشته‌ها بتوانند متولد شوند.

شرط اول: گذراندن مرحله‌ای مهم از زندگی:

برای ماتیلد در داستان نامه‌های محرمانه این مسئله کاملاً واضح است. او در این دوران اولین عشق بزرگ خود زندگی می‌کند. پاسکال در داستان دختر عابر هم در این شرایط است. تنها فرق او این است که کمی از دیگر شخصیت‌ها بزرگ‌تر است و رابطه عاشقانه‌ای را که تشریح می‌کند متفاوت است.

شرط دوم: نیاز به اعتماد به نفس:

این مرحله بسیار سخت است. خود نوجوان تصور می‌کند که هیچ‌کس در اطراف او نمی‌تواند شنونده حرف‌هایش باشد. این مانع می‌تواند ناشی از ارتباط ساده والدین و نوجوان باشد که اجازه هیچ حرفی را به او نمی‌دهد. اینکه فردی چیزهایی که در اعماق

قلبش هست به کسی نگوید او را در نظر دیگران فردی خوددار و محکم جلوه می‌دهد و البته او را به سمت نوشتن سوق می‌دهد. می‌توان گفت که میل به کسب اعتماد به نفس برگرفته از سنگینی امور روزانه است. نوشتن قبل از هر چیز پیدا کردن وسیله ایست برای تخلیه فشار روحی که گاهی غیرقابل تحمل است. پس دفتر خاطرات کلید اسرار درونی هر فرد است. هر آنچه را نمی‌توان گفت فوراً تبدیل می‌شود به یک راز. این رازها گاه می‌توانند بی‌معنی باشند و گاه بار معنایی زیادی دارند. لحن آن‌ها همیشه شدید است؛ چون هرچه که از نظر شخصیت داستان راز محسوب می‌شود، قسمتی از وجود خود اوست. آن‌ها به محض بازگو کردن رازشان در دفتر خاطرات ذهنشان آزاد است.

(ج) ابراز وجود:

مفهوم راز این است که به دلایل شخصی قابل بازگویی نیست؛ بنابراین اگر کسی نتواند چیزی را بازگو کند نشان دهنده آن است که می‌داند هر چیزی را نباید گفت. اگر پیر در کتاب مکاتبات غیرممکن به کیت بگوید که تو (خیلی بدترکیبی) نتیجه این حرف برهم زدن دوستی آن‌ها می‌شود. خاطره‌نویسی اجازه می‌دهد آنچه را که نمی‌توان گفت بگوییم و از این اعتراف درونی که نمی‌تواند در بیرون اتفاق بیفتد بهره ببریم. این کار یک مهارت است که به ما آموزش می‌دهد درون خود را از تنش‌ها بزداییم.

عمل نوشتن برای نوجوان متود و روشی است برای آزاد شدن از وابستگی به پدر و مادر است. البته باید گفت این روش مستقل شدن برای رشد هر شخص لازم است. پس از حل مشکلات نوشتن پایان می‌پذیرد. پس نوجوان با بیرون آمدن از دفترچه خاطرات بزرگ می‌شود و موفق می‌شود بر اتفاقات و عواطفی که دردناک بوده غلبه کند و تمام این کارها بدون کمک والدین است؛ بنابراین دفتر خاطرات در ادبیات کودک چیزی بیشتر از یک وسیله برای بیان احساسات است این وسیله امکان می‌دهد تا شخصیت نوجوان شکل گیرد. خاطره‌نویسی هم تکیه‌گاه است و هم وسیله ابراز وجود؛ بنابراین استفاده از یادداشت‌های خصوصی در یک داستان تکوین است در این مفهوم که راهکارهایی به نوجوان می‌نماید و ساختاری از افکار را برایش ترسیم می‌کند و شاید هم به او انگیزه نوشتن می‌دهد حتی اگر برای درد دل باشد.

درون مایه مرگ در ادبیات کودک

طرح مشکل مرگ در کتاب کودکان برای نویسندگان دشوار است. چون این موضوع برای کودکان ناراحت‌کننده است و ضمناً توضیح آن مشکل می‌باشد. اغلب کودکان در ذهن خود برداشت خاصی نسبت به مرگ دارند. در سنین نه تا ده سالگی می‌فهمند که مرگ واقعیتری گریز ناپذیر است و کسی که می‌میرد هرگز به دنیا برنمی‌گردد.

علاوه بر این کودکان تا حدی در زندگی روزمره با مرگ آشنا هستند؛ مثلاً تجربه مرگ پدربزرگ یا یک دوست. سکوت در برابر سؤال کودک برای او ترس‌آورتر از دانستن یک واقعیت تلخ است؛ چرا که حقیقت را می‌توان پذیرفت و بر آن غالب شد در حالی که سکوت کابوس‌هایی برای کودک خلق می‌کند.

چه کسانی در داستان‌های کودکان می‌میرند؟

مثل زندگی واقعی گاهی مرگ درست موقعی از راه می‌رسد که فرد در اوج زندگی است. مرگ تنها به سراغ مادر بزرگ‌ها و آشنایان پیر نمی‌آید؛ بلکه والدین کودکان هم می‌میرند.

پذیرش مرگ آن‌ها بسیار مشکل است به خصوص در دنیای امروز که مرگ و میر به خاطر رشد علم کمتر شده بارها شده‌است که نویسندگان برای نزدیک شدن به موضوع مرگ حیواناتی را مطرح می‌کنند که دوست کودکانند. در داستان مادر بزرگ با

پرنده‌های کولون دوستی بین بروژیت و پرنده فیرو دست مایه قرار می‌گیرد که زندگی اش باسیر شدن در چنگ گربه پایان می‌یابد.

چرا شخصیت‌های داستان می‌میرند؟

شخصیت داستان کودکان به دلایل متفاوت می‌میرند از دلایل متداول بیماری است مخصوصاً سرطان. احتیاط نویسنده را از نوشتن لفظ ان برحذر میدارد و بیماری را با کنایه و توصیف بیان می‌کنند. از دیگر بیماری‌ها بیماری قلبی است آلزایمر و اخیراً ایدز است که مستقیماً نمی‌توان عنوان آن‌ها را نام برد. خودکشی نیز موضوع تلخی است هلن منتارد در کتاب انتهای بادبادک این معضل را به ظرافت بیان کرده. بعد از مرگ پدر عرصه زندگی برای ماتیو برادرش و مادرش سخت می‌شود نشانه امید در زندگی انه بادبادک است بادبادک همیشه در حال اوج گرفتن است پیامی که نویسنده می‌خواهد به کودک بدهد این است که بعد مرگ زندگی ادامه پیدا می‌کند و باید ادامه پیدا کند. اکثر آن‌ها می‌خواهند از روش دلداری استفاده کنند این امیدی است که دین می‌دهد و پایه آن ایمان به آخرت است طرح معضل مرگ برای کودک به این خاطر است که به آنان یاد دهیم به زندگی ارج نهند و قدرش را بدانند.

ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه‌ی کودکان و نوجوانان می‌گویند. این نوع ادبیات هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالائی‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها است و هم داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه‌ی دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را دربر می‌گیرد که نویسندگان و سراینندگان برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند.

ویژگی‌های مهم

ویژگی‌های مهم ادبیات کودک و نوجوان بدین شرح است:

- ۱- با زبان و بیان، توانایی درک و زبان نوشتاری، تخیل و تجربه‌های کودکان و نوجوانان متناسب است.
- ۲- به رشد و پرورش شخصیت خواننده کمک می‌کند.
- ۳- اهمیت تصویر را برای کودک و نوجوان برابر با اهمیت نوشته می‌داند و همواره بخشی از پیام را با تصویر بیان می‌کند.

مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان

مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان عبارتند از:

- آ آماده کردن کودک برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط.
 - ب. شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مدام.
 - ج. سرگرم کردن و لذت‌بخش بودن.
 - د. علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و ایجاد عادت به آن.
 - ه. ایجاد و تقویت صلح در جهان.
- ۴ - مراحل تاریخ ادبیات کودک و نوجوان
- تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در همه کشورهای جهان کما بیش چهار مرحله داشته است:

۱؛ آفرینش و انتقال آثار ادبی به صورت شفاهی.

۲؛ گردآوردن و نوشتن آثار ادبی شفاهی.

۳؛ پدید آوردن آثار ادبی با الهام از آثار شفاهی.

۴؛ آفرینش آثار ادبی ویژه‌ی کودک و نوجوان.

۵ - سرچشمه ادبیات کودکان

فولکلور یا فرهنگ عامه همچنان که سرآغاز پیدایی همه‌ی هنرهاست، سرآغاز ادبیات و به خصوص ادبیات کودکان نیز است. لایه‌های، مثل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجراجویی و حماسی و عاشقانه و اسطوره‌ها که همه زائیده‌ی تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند؛ بنیاد و اساس ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهد. بنابراین ادبیات کودکان سرچشمه در فولکلور و فرهنگ عامه دارد و به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین است.

۶ - مراد از ادبیات کودکان به معنی واقعی آن

ادبیات کودکان و نوجوانان به معنی واقعی آن، یعنی نوشته‌هایی که در آن حس و حال کودکانه حاکم باشد، به زبان و نثری مناسب سطح سواد کودکان نوشته شده و معمولاً همراه با تصاویر است؛ به‌عنوان یک شکل ادبی مستقل تقریباً از نیمه‌ی دوم سده‌ی هجدهم میلادی در جهان پدید آمده است. در ظهور دیر هنگام این نوع ادبیات، عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بودند. پیش از عصر جدید (رنسانس) به کودکان بیشتر همچون بزرگسالانی کوچک نگریسته می‌شد و ادبیاتی ویژه‌ی نیازهای خاص و سطح درک و فهم آنان ضروری شمرده نمی‌شد. در کشورهای اروپایی، یکی از کتاب‌های چاپی ویژه‌ی کودکان "جهان مرئی در تصاویر" (۱۶۵۸م) از "کومنیوس" (۱۵۹۲-۱۶۷۰م) است. کتابی که آموزشی و درسی بود، ولی نخستین کتاب مصور کودکان به شمار می‌آید. بعدها «شارل پرو» در فرانسه و «برادران گریم» در آلمان، قصه‌های کهن و معروف سرزمینشان را گردآوری و بازنویسی کردند که این کتاب‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفت و در کشورهای مختلف از جمله ایران ترجمه شد. در سده‌ی نوزدهم میلادی تصاویر نقش برجسته‌ای در کتاب‌های کودکان یافتند و همچون امروز برای جلب توجه کودکان به داستان‌ها کمک به آنها برای تجسم شخصیت‌ها و کنش‌های داستانی به کار رفتند. این نوع ادبیات تا سده‌ی بیستم به‌عنوان یک نوع ادبی عمده تکامل یافت و شکل پذیرفت و در این سده به اوج تکامل خود رسید.

۷ - ادبیات کودک و نوجوان در ایران

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ای قائل بوده‌اند و آن را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته‌اند، به‌طوری که کمتر نوشته ادبی را می‌توان یافت که به تربیت کودک و ضرورت آن اشاره نکرده باشد. لکن نقطه ضعفی از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آنها دیده می‌شود، این است که در تمام آنها کودک کوچک‌شده بزرگسالان پنداشته شده و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است؛ به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی ما امروز از آن داریم در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن به ربع قرن بیشتر تجاوز نکند.

نخستین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان به نام «نصاب‌الصبيان» توسط ابونصر فراهی در قرن هفتم تدوین شد. فراهی با توجه به حافظه نیرومند کودکان و دل‌بستگی آنان به شعر، واژه‌هایی را در شعرهای نصاب‌الصبيان گرد آورد تا کودکان با بر کردن آن اشعار، واژه‌های عربی هر شعر را به یاد بسپارند. وی همچنین در لابه‌لای شعرهای کتاب، آگاهی‌هایی درباره‌ی قرآن کریم، اصول دین، نام‌ها و القاب پیامبر، امامان شیعه، بیماری‌ها و ماه‌های سال و... گرد آورده است. این فرهنگ‌نامه‌ی کوچک

بیش از هفت قرن است که بر زانوی اطفال مسلمان ایران و ماوراءالنهر و هندوستان و ترکیه قرار داشته است و ظاهراً نخستین کتابی است که پس از قرآن کریم برای آموختن زبان عربی برای کودکان به کار می‌رفته است.

ادبیات نوین

پایه‌گذاری ادبیات نوین کودکان از آذربایجان و جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) شروع شد. او در سال ۱۲۶۴ ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ درگذشت. بزرگ‌ترین ابتکار او انتخاب وزن‌ها و قالب‌هایی نزدیک به ترانه‌های عامیانه است. در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نویسندگان و شعری دست به خلق آثاری زدند؛ مانند یحیی دولت‌آبادی، صنعتی‌زاده کرمانی (مؤلف کتاب رستم در قرن بیستم)، عباس یمینی شریف. در همین زمان مترجمانی چون علی‌نقی وزیری و مهری آهنی، افسانه‌های عامیانه‌ی ملل مختلف را به فارسی برگرداندند. مجله‌ها و روزنامه‌ها نیز صفحاتی به کودکان اختصاص دادند. از سال ۱۳۳۲ گروهی به انتشار مجله‌ی پر ارزش «سپیده‌ی فردا» همت گماشتند و ضمن آشنا ساختن مربیان با اصول تربیت نوین، مسئله‌ی ادبیات کودک را مطرح ساختند. در سال ۱۳۳۸ همین مجله فهرست کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان را برای اولین بار منتشر نمود. در همین سال‌ها سیل ترجمه از ادبیات کودکان جهان به سوی کودکان ایران سرازیر شد.

ادبیات کودک در سالهای پس از ۱۳۴۰

سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان است. در این سال چرخشی بنیادین در کتاب‌های درسی پدیدار شد. روش تدریس و مطالب کتاب‌های جدید، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد و بدین ترتیب جمعیت کتاب‌خوان چندین برابر شد. در همین سال نخستین کتاب مدون ادبیات کودک چاپ شد. در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب کودک کار خود را شروع کرد و در سال ۱۳۴۴ کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به وجود آمد. سال‌های پس از ۱۳۴۰ را می‌توان دوره‌ی تازه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان دانست. در این دوره اهمیت ادبیات کودک در رشد فکری و پرورش اندیشه و تخیل از دوران کودکی و نوجوانی در ایران شناخته شد. ویژگی عمده‌ی این دوره توجه به نیازهای کودکان و رشد ادبیات ویژه‌ی آنان در برابر آثار ترجمه شده است.

ادبیات کودک در دهه ۵۰ و ۶۰

ادبیات کودک در دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ سرعت بیشتری یافت. رشد روزافزون جمعیت و جوان شدن آن و بالا رفتن درصد دانش‌آموزان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی، توجه به کودکان و نوجوانان را افزایش داد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هشیاری اجتماعی کودکان ایرانی را بالاتر برد و بر وسعت تجربه‌های آنان افزود و زمینه‌های دیگر را برای کار نویسندگان و شاعران فراهم نمود. در این دو دهه مخصوصاً پس از انقلاب، صحبت از یک شاعر و یک نویسنده یا یک تصویرگر نیست. در همه‌ی زمینه‌ها رشد و گسترش مشاهده می‌شود و خواه‌ناخواه درصد کارهای نامناسب و مبتذل نیز فزونی یافت و همزمان با آن سخت‌گیری و جدیت بیشتری در زمینه‌ی نقد کتب کودکان به وجود آمد. در این ایام به اسامی علی اشرف درویشیان، فریدون دوست‌دار، رضا رهگذر، قدسی قاضی‌پور و به خصوص هوشنگ مرادی کرمانی برمی‌خوریم.

ادبیات کودک در دهه ۷۰

ادبیات کودکان در دهه‌ی ۷۰ همراه با تعمیق برنامه‌های دهه‌های گذشته، ورزیدگی در اجرای فعالیت‌ها، تسهیل ارتباطات بین‌المللی علاوه بر دستیابی به اطلاعات، حضور ادبیات کودکان و نوجوانان ایران و فعالان این زمینه را در عرصه جهانی پررنگ‌تر نمود. در این دهه، فعالیت شامل حال همه کودکان و نوجوانان شد؛ از کودکان معلول - که آغاز فعالیت برای آنها در دهه‌ی قبل است- تا کودکان پناهندگان به ایران یا کودکان کانون اصلاح و تربیت. یکی از اقدامات اساسی و اصولی این دهه، تهیه و تدوین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان توسط شورای کتاب کودک است که در تابستان ۱۳۷۹ جلد ششم آن نیز منتشر شد. آغاز تهیه‌ی «تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان» نیز این دوره است.

کارکرد تاریخی شعر

از دیدگاه محمدعلی سپانلو نقش تاریخی و سازنده شعر در امور اجتماعی، در تاریخ ایران بسیار است بررسی متن بدون توجه به ارجاعات خارج از آن، نقش اجتماعی شعر را فرو می‌کاهد. وی با یادآوری این نکته که شعر از لحاظ تاریخی در ایران نقش ممتازی داشته است، تصریح می‌کند که شعر جای خیلی از چیزها را در تاریخ تفکر و فرهنگ ایران پر کرده است؛ به این معنا اغلب علاوه بر اینکه داستان می‌گفته و سرگرم می‌کرده، به شکل یک نوع فلسفه زندگی، نوعی رهنمود هم برای مردم داشته است. وی نقش تاریخی و سازنده شعر را در امور اجتماعی، در تاریخ ایران بسیار دانست.

سپانلو با اشاره به کارکرد اجتماعی شعر در انقلاب مشروطیت می‌افزاید: در دوران مشروطه شعر زبان احساسات آزادی‌خواهی مردم می‌شود و در غیاب ادبیات تئوریک، به زبان ساده شعارهای اصلی حکومت، مردم و آزادی و دموکراسی را بیان می‌کند. در این دوران حتا از ترانه هم استفاده کرده‌اند؛ بنابراین شعر همیشه یک مساله تاریخی داشته و بعد از شروع دوران پادشاهی پهلوی و چند سال بعد، آرام آرام حکومت مستبدی تشکیل می‌شود که آن آزادی‌های بیان دوران مشروطه را به طور کلی محدود می‌کند؛ آن گاه می‌بینید شعر در خلوت خود احساسات مردم را ضبط می‌کند و زبان پیچیده شعر از آنجا پیدا می‌شود؛ برای آنکه نشان دهد خیلی از مردم جور دیگری فکر می‌کنند. این گذشته‌ای است که نشان می‌هد نقش اجتماعی شعر در تاریخ ایران بزرگ بوده است.

نقش اجتماعی شعر

سپانلو اظهار می‌دارد: از میان انواع نقش‌های ادبی و ارزش‌گذاری‌هایی که در ادبیات مطرح است، آنچه که در ایران نسل جوان می‌پسندد، چیزی است که فقط به ساختار شعر و خود متن تکیه می‌کند؛ یعنی اینکه این شعر به کجا و به چه تعلقات اجتماعی و به خصوص انسانی وابسته است که به این دلیل در اغلب این اشعار نمی‌توان حدس زد برای کیست. به واقع، بخشی از هنر شاعری نوعی ریاضت روانی و خود ساختن است. شاعر باید نگاه خود را به عنوان یک انسان به زندگی مطرح کند، آن زمان است که می‌توانیم به نقش اجتماعی شعر برسیم.

تأثیر شعر بر زندگی

اگر انسان به شعر به عنوان یک آموزش در کنار لذت بردن و سرگرمی نگاه کند به آن عادت می‌کند و این عادت سالم و مفید می‌تواند در روح و روان و زندگی فردی و اجتماعی او تأثیر شایسته‌ای داشته باشد.

شعر یکی از مقوله‌های زیبا و دلنشین ادبیات به عنوان پنجمین هنر از هنرهای هشت‌گانه بشریت بشمار می‌رود که از دیر زمان تا کنون مورد توجه و نظر آحاد مردم بوده است.

در تعریف شعر چنین آمده که "کلامی است موزون و مقفّی که دارای معنی بوده و از روزی که انسان شعر را شناخت، آن را ملازم وزن یافت به گونه‌ای که آهنگ و وزن شعر، باعث جذابیت و دلنشین آن شد.

ارسطو نخستین فردی است که رساله‌ای درباره شعر از او در دست بوده، وی شعر را در مقابل نثر قرار می‌دهد و از شعر، سخن موزون را اراده می‌کند. وی با اشاره به تعریف ملک‌الشعرای بهار از شعر و شاعر، ادامه داد: این شاعر شیرین سخن در خصوص شعر می‌گوید که شعر خوب، چیزی است که از احساسات، عواطف و انفعالات و از حالات، روحیه صاحب خود، از فکر دقیق پرهیجان و لمحہ گرم تحریک شده یک مغز پرجوش و یک خون حرارت حکایت کند.

هرچه هیجان و اخلاق‌گوینده در موقع گفتن یک شعر یا ساختن یک غزل قوی‌تر و نجیب‌تر باشد، آن شعر بهتر و خوب‌تر خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت شعر خوب شعری است که خوب تهییج کرده، فهمیده شود و در نهایت به حافظه سپرده شود.

اگر بگوئیم ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ای قایل بوده‌اند اغراق نکرده‌ایم و آن را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته‌اند، به طوری که کمتر نوشته ادبی را می‌توان یافت که به تربیت کودک و ضرورت آن اشاره نکرده باشد. لکن نقطه ضعفی از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آنها دیده می‌شود، این است که در تمام آنها کودک کوچک شده بزرگسالان پنداشته شده و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است؛ به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی ما امروز از آن داریم در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن به ربع قرن بیشتر تجاوز نکند.

نخستین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان به نام «نصاب‌الصبيان» توسط ابونصر فراهی در قرن هفتم تدوین شد. فراهی با توجه به حافظه‌ی نیرومند کودکان و دلبستگی آنان به شعر، واژه‌هایی را در شعرهای نصاب‌الصبيان گردآورد تا کودکان با ازبر کردن آن اشعار، واژه‌های عربی هر شعر را به یاد بسپارند. وی همچنین در لابه‌لای شعرهای کتاب، آگاهی‌هایی درباره‌ی قرآن کریم، اصول دین، نام‌ها و القاب پیامبر، امامان شیعه، بیماری‌ها و ماه‌های سال و... گردآورده است. این فرهنگ‌نامه‌ی کوچک بیش از هفت قرن است که بر زانوی اطفال مسلمان ایران و ماوراءالنهر و هندوستان و ترکیه قرار داشته است و ظاهراً نخستین کتابی است که پس از قرآن کریم برای آموختن زبان عربی برای کودکان به کار می‌رفته است.

کسی که برای اولین بار داستان‌های عامیانه‌ی ایرانی را مخصوصاً جمع‌آوری و منتشر کرد «بولفضل صبحی مهتدی» بود. لازم است اشاره شود که صبحی نخستین کسی نبود که به جمع‌آوری ادبیات عامیانه در ایران اقدام کرد، بلکه سال‌ها قبل از او «صادق هدایت» این کار را کرده بود؛ ولی صبحی کسی بود که ادبیات عامیانه را برای کودکان و نوجوانان جمع‌آوری نمود و در واقع از این نظر کارش را می‌توان هم‌ردیف کار «برادران گریم» در آلمان و «شارل پرو» در فرانسه دانست.

قبل از آن که ادبیات نوین کودک در ایران پایه‌گذاری شود، زمینه‌های آن در دوره‌ی مشروطه ایجاد و فراهم شد. تحول مهمی که در ادبیات مشروطه اتفاق افتاد، گرایش و حرکت شعر از دربارها و خواص بین مردم و عوام بود. این حرکت کلی در زبان شعر، مضامین و محتوا و دیگر جوانب آن تأثیر گذاشت. در بین اشعار این دوره شعرهای کودکان نیز یافت می‌شوند. اگرچه این شعرها هنوز از فضای پند و اندرز پدران برای کودک خالی نیست، اما به‌رحال نخستین گام‌هایی است که به سوی ادبیات کودک برداشته می‌شود. از جمله‌ی این شاعران می‌توان به ایرج میرزا (۱۲۹۱-۱۳۴۳ ه.ق) اشاره کرد. وی را شاید بتوان اولین شاعری دانست که اشعاری برای کودکان و در خور فهم ایشان سروده است. غیر از او حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی (۱۲۷۹ ه.ق

۱۳۱۸-ه.ش) از روشنفکران دوره‌ی مشروطه، مهدی قلی‌خان هدایت (مخبرالسلطنه)، محمدتقی ملک‌الشعراى بهار (۱۲۶۶-۱۳۳۰ ه.ش)، نیما یوشیج اشعاری برای کودکان سروده‌اند.

پایه‌گذاری ادبیات نوین کودکان از آذربایجان و جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) شروع شد. او در سال ۱۲۶۴ ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ درگذشت. بزرگ‌ترین ابتکار او انتخاب وزن‌ها و و قالب‌هایی نزدیک به ترانه‌های عامیانه است. در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نویسندگان و شعریایی دست به خلق آثاری زدند؛ مانند یحیی دولت‌آبادی، صنعتی‌زاده کرمانی (مؤلف کتاب رستم در قرن بیستم)، عباس ییمینی شریف. در همین زمان مترجمانی چون علی‌نقی وزیری و مهری آهنی، افسانه‌های عامیانه‌ی ملل مختلف را به فارسی برگرداندند. مجله‌ها و روزنامه‌ها نیز صفحاتی به کودکان اختصاص دادند. از سال ۱۳۳۲ گروهی به انتشار مجله‌ی «سپیده‌ی فردا» همت گماشتند و ضمن آشنا ساختن مربیان با اصول تربیت نوین، مسئله‌ی ادبیات کودک را مطرح ساختند. در سال ۱۳۳۸ همین مجله فهرست کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان را برای اولین بار منتشر نمود. در همین سال‌ها سیل ترجمه از ادبیات کودکان جهان به سوی کودکان ایران سرازیر شد. سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان است. در این سال چرخشی بنیادین در کتاب‌های درسی پدیدار شد. روش تدریس و مطالب کتاب‌های جدید، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد و بدین ترتیب جمعیت کتاب‌خوان چندین برابر شد. در همین سال نخستین کتاب مدون ادبیات کودک چاپ شد. در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب کودک کار خود را شروع کرد و در سال ۱۳۴۴ کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به وجود آمد. سال‌های پس از ۱۳۴۰ را می‌توان دوره‌ی تازه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان دانست. در این دوره اهمیت ادبیات کودک در رشد فکری و پرورش اندیشه و تخیل از دوران کودکی و نوجوانی در ایران شناخته شد. ویژگی عمده‌ی این دوره توجه به نیازهای کودکان و رشد ادبیات ویژه‌ی آنان در برابر آثار ترجمه شده است.

ادبیات کودک در دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ سرعت بیشتری یافت. رشد روز افزون جمعیت و جوان شدن آن و بالا رفتن درصد دانش‌آموزان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی، توجه به کودکان و نوجوانان را افزایش داد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هشیاری اجتماعی کودکان ایرانی را بالاتر برد و بر وسعت تجربه‌های آنان افزود و زمینه‌های دیگر را برای کار نویسندگان و شاعران فراهم نمود. در این دو دهه مخصوصاً پس از انقلاب، صحبت از یک شاعر و یک نویسنده یا یک تصویرگر نیست. در همه‌ی زمینه‌ها رشد و گسترش مشاهده می‌شود و خواه‌ناخواه درصد کارهای نامناسب و مبتذل نیز فزونی یافت و همزمان با آن سخت‌گیری و جدیت بیشتری در زمینه‌ی نقد کتب کودکان به وجود آمد. در این ایام به اسامی علی اشرف درویشیان، فریدون دوستدار، رضا رهگذر، قدسی قاضی‌پور و به خصوص هوشنگ مرادی کرمانی برمی‌خوریم.

ادبیات کودکان در دهه‌ی ۷۰ همراه با تعمیق برنامه‌های دهه‌های گذشته، ورزیدگی در اجرای فعالیت‌ها، تسهیل ارتباطات بین‌المللی علاوه بر دستیابی به اطلاعات، حضور ادبیات کودکان و نوجوانان ایران و فعالان این زمینه را در عرصه جهانی پررنگ‌تر نمود. در این دهه، فعالیت شامل حال همه کودکان و نوجوانان شد؛ از کودکان معلول - که آغاز فعالیت برای آنها در دهه‌ی قبل است- تا کودکان پناهندگان به ایران یا کودکان کانون اصلاح و تربیت. یکی از اقدامات اساسی و اصولی این دهه، تهیه و تدوین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان توسط شورای کتاب کودک است که در تابستان ۱۳۷۹ جلد ششم آن نیز منتشر شد. آغاز تهیه‌ی «تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان» نیز این دوره است.

شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است

شاعر با هنر والا، احساسات لطیف ادبی، تخیل و با یاری از استعداد فطری خود چنان آب و رنگ، نظم و قرار و جان و جلا به واژگان بی‌جان می‌بخشد تا شعری به زیبایی بیافریند و جانی دوباره به خواننده ببخشد از این رو دکتر شفیع کدکنی می‌گوید "شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد". شعر زبانی است که جان را به هیجان می‌آورد از این رو می‌توان با تکیه بر این موضوع به جنبه‌های مختلف ادبیات از جمله شعر و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها و روح و روان آن‌ها نگریست. شعر هنری است که می‌تواند با انتقال مفاهیمی غنی و شگرف با موضوعات مختلف اجتماعی، عاشقانه، عرفانی، اسلامی و فرهنگی ذهن‌های جستجوگر و روان‌های تشنه خوبی و حقیقت را برانگیزاند و در تأثیرات خود فرو برد که این مهم با آگاهی و دانش خواننده و مخاطب از شعر و غنی و مفهومی بودن شعر به دست می‌آید. درست زیستن در جامعه و داشتن یک زندگی موفق و شاد، مستلزم توانمند بودن در رفتار، کردار و گفتار ماست و این توانمندی از طرق مختلف به دست می‌آید که بیشتر جنبه اکتسابی دارد و یکی از این راه‌ها دوستی با ادبیات و کسب دانایی و مهارت از آن است.

شعر و درمانگری

اشعار شاعران ایران و جهان از قدیم تا کنون یکی از منابع اصلی کسب مهارت‌های زندگی، آرامش درونی، دوری از منفیات و رسیدن به مفاهیم عالی زندگی بوده و هست. در مورد کارایی شعر و درمانگری آن نیز باید گفت اگر انسان به شعر به عنوان یک آموزش در کنار لذت بردن و سرگرمی نگاه کند به آن عادت می‌کند و این عادت سالم و مفید می‌تواند در روح و روان و زندگی فردی و اجتماعی او تأثیر شایسته‌ای داشته باشد. این مسئله مستلزم داشتن انگیزه، هدف، اراده و در کنار آن شرکت در جلسات ادبی و استفاده از تجارب صاحبان فن در این رشته است. هنرهای هفت‌گانه یا هشت‌گانه و زندگی، رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند و این یک حقیقت ثابت شده است که هنر از زندگی زاییده می‌شود و بر زندگی هم اثر دارد. اگر انسان به شناخت از دنیای خود و درک درست از زندگی برسد و در برخورد با آفریده‌ها و پدیده‌های جهان هستی با اندیشه و تعقل و احساس بنگرد این قدم اول در کشف هنر است، در ادامه اگر این هنر را با روش خود بیافریند و یا پرورش دهد و حتی استفاده کند می‌توان گفت کم‌کم آرامش روح و روان را برای خود می‌طلبد.

عظمت تأثیرگذاری هنر بر ذهن انسان

وی با بیان اینکه شعرخوانی و ادب‌ورزی یکی از این تمرین‌ها در هنرپروری است، گفت: در روایات، نقل‌ها و نوشته‌های گذشتگان داریم که تأثیر هنرمندان و معلمان از طریق هنر و دانش خود بر روی هنرآموزان و دانش‌ورزان در شکل‌دهی اخلاق و روان و جهت‌گیری زندگی ایشان در خور توجه و ثابت شده است. این که ما می‌گوئیم من عاشق نوشته‌های این شاعر یا نویسنده‌ام یا من هنر دست این هنرمند را می‌ستایم و قبول داریم یا اینکه با موسیقی این هنرمند به آرامش می‌رسم همه و همه بیانگر عظمت تأثیرگذاری هنر بر ذهن و روح انسان است.

شاعر انسانی است که در متن جامعه زندگی می‌کند و مسلماً واژگان و ابیاتی که از احساس و اندیشه‌شان بر صفحات سفید نقش می‌بندد برآمده از احساس، عشق، درد و رنج و درونیات آن‌هاست و بی‌شک، تأثیرگذار خواهد بود. در جامعه امروز نیاز است این هنر والا و متعالی و آفریدگاران آن یعنی شاعران را پاس بداریم و در جهت حفظ، پاسبانی، اشاعه و نگهداشت شعر حرکت کنیم.

کتاب بهترین وسیله انتقال میراث ادبی از نسلی به نسل دیگر است. بی‌گمان نقش برجسته ادبیات این است که ما را یاری دهد تا میراث فرهنگی خود را بشناسیم و آن را ارج نهیم ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرهنگ خودی و سایر فرهنگها برای رشد فردی و اجتماعی افراد جامعه ضروری است و آثار ادبی برگزیده بیانگر حضور این فرهنگها میزان مشارکتها و ارزشهای گوناگون هریک از آنهاست. کودک به کمک ادبیات با شیوه‌های برخورد انسانها و دشواریهای زندگی خود آشنا می‌شود و از شخصیت‌های داستانها می‌آموزد که چگونه با گرفتاری‌های مشابه مواجه شود و احساسات دیگران را درک کند. در این بین داستانهای واقع‌گرای نو، کودکان را نسبت به شناخت انسان امروزی و رابطه‌اش با محیط زیست کنجکاو میکند. انسان در کودکی به ارزشهایی دست می‌یابد که آثار آنها در بزرگسالی بر او پدیدار می‌شود.

چگونه می‌توان کودکان را با هویت ملی آشنا کرد؟ هویت یکی از عمده‌ترین مسائلی است که همواره در طول تاریخ از دغدغه‌های اصلی بشر بوده که در پی گذر زمان به موضوعی بسیاری جدی، مهم و پررنگ تبدیل شده و به شاخه‌هایی چون هویت فردی، هویت ملی، هویت اجتماعی و ... تقسیم شده است و در این میان هویت ملی که شامل مجموعه‌ای از ارزشها، سنتها، عقاید و باورهای یک جامعه می‌شود دارای جایگاه ویژه‌ای است و در غالب اوقات باعث افتخار و احساس وابستگی افراد آن جامعه می‌شود و مطالعه داستانها مربوط به قومیت‌های مختلف کودکان و نوجوانان را با فرهنگ (متفاوت) کشور خود آشنا میکند و باعث می‌شود که آنها بیشتر به گستردگی و پهناوری کشور خود پی ببرند و با کودک سایر نقاط سرزمین خود احساس یگانگی و هویت مشترک داشته باشد.

در واقع یکی از مهمترین و بهترین روش‌هایی که میتوان کودکان را با هویت ملی ایرانی‌شان آشنا کرد. تهیه و خواندن کتابهایی است که به موضوعات تاریخی و فرهنگی اقوام مختلف و نواحی گوناگون پرداخته است. و دوم: کتابهایی که بر اساس واقعیات به صورت داستانی نوشته می‌شوند و محتوای این کتابها باید به نحوی باشند که داستان‌وار بودنشان آسیب و خللی به واقعیت آن وارد نکند. همچنین، تصاویر کتابهای تاریخی و قومیتی نیز نقش مؤثری در شناساندن هویت ملی ایران دارند. یعنی نوع پوشاک، ساختار، فضا و مکان چهره و شکل ظاهری شخصیتها باید به گونه‌ای تصویرسازی شوند که کاملاً با واقعیت تاریخی و فرهنگی یا قومیتی داستان سنخیت و تناسب داشته باشند.

قصه کودک را سرگرم می‌کند، او را از درونش آگاه می‌سازد و باعث رشد شخصیت او می‌شود. قصه در سطوح بسیار متنوع چنان مفاهیم را به کودک انتقال می‌دهد و در زندگی او را توانا می‌سازد که کتاب دیگری نمی‌تواند این تنوع را دربرداشته باشد. قصه‌ها بی‌نظیرند. نه فقط به عنوان نوع ادبی، بلکه به مثابه آثار هنری که به خالف سایر شکل‌های هنری کودک میتواند آنها را کاملاً درک کند.

قصه‌ها مانند هر اثر هنری بزرگی عمیق‌ترین معناها را در بردارند که برای هر انسان و شخص واحدی در زمان‌های مختلف زندگی متفاوت است. کودک با توجه به دلبستگی‌ها و نیازهای آنی زندگی اش از قصه‌های شبیه هم معناهای متفاوتی را برداشت میکند. از این رو هر وقت کودک فرصت یابد، همین که آماده باشد به قصه‌های شبیه هم باز می‌گردد. معناهای قدیمی را بسط میدهد یا جای آنها را با معناهای جدید عوض میکند. قصه به مثابه اثر هنری جنبه‌های بسیاری دارد که همواره برای

پژوهش همچون معنا و تأثیر روان شناختی آن ارزشمند است. قصه‌ها بر خالف شکل‌های دیگر ادبیات، کودک را در راه کشف هویت و معنای زندگی خویش هدایت میکند، قصه‌ها به کودک می‌آموزند که برای ادامه تکامل شخصیت فردی چه تجربه‌هایی ضروری‌اند به آنها اطمینان می‌دهند که یک زندگی مفید و ثمربخش در دسترس انسان قرار دارد. حتی اگر موانع بسیاری بر سر راه او باشد. اما اگر در برابر مبارزات بسیار وحشتناک، هراسی به خود راه دهد هرگز نمی‌تواند به هویت واقعی خویش دست یابد. در قصه‌ها نیز رویدادها تجسم می‌یابند و کشمکش‌های درونی توصیف می‌شوند، اما بی اندازه با احتیاط اشاره می‌شود که چگونه این کشمکش‌ها می‌توانند برطرف شوند و گام‌های بعد در تکامل به سوی یک انسانیت متعالی چه می‌تواند باشد. قصه‌ها ساده خود را ارایه می‌دهند و هیچ توقعی از مخاطب ندارند. بنابراین حتی خردسال ترین کودک، اجباری احساس نمی‌کند که باید به شیوه خاصی رفتار کند و هرگز در او احساس حقارت به وجود نمی‌آورد. قصه بیشتر به کودک اطمینان، امید به آینده و اعتماد به فرجامی سعادت‌مندان را نوید می‌دهد. برای همین «لوئیس کارول» درباره قصه می‌گوید؛ قصه محبت را جلب میکند، زیرا با عشق تعریف می‌شود چنین شالوده‌ای در اسطوره به دشواری یافت می‌شود. و در ادامه باید گفت هم اسطوره هم قصه به پرسشهای همیشگی انسان پاسخ می‌گوید: جهان به راستی چگونه است؟ چگونه باید در آن زندگی کنم؟ چگونه میتوانم خودم باشم؟ پاسخهای اسطوره قطعی، اما پاسخهای قصه به شیوه نمادی است پیام‌های قصه ممکن است شامل راه‌حلهایی باشد ولی مستقیم درباره آن صحبت نمی‌کند. بلکه آن را با تخیل و تمایل کودک و به آنچه داستان از زندگی و موجودات انسانی تعریف می‌کند وا می‌گذارد. قصه به گونه‌ای گسترش می‌یابد که مخالف نحوه تفکر کودک و تجربه اش از زندگی نباشد. برای همین قصه تا این حد برای کودک قانع کننده است. کودک از قصه بسیار پیش از دلایل و عقاید بزرگسالان که برای تسکین خاطر او بیان می‌شوند، آرامش به دست می‌آورد. کودک به آنچه قصه تعریف میکند، اعتماد دارد زیرا نگاه قصه به جهان با نگاه او یکسان است. قصه‌ها به کودک قول می‌دهند که اگر شجاع باشد و در راه این تلاش طاقت فرسا و مهیب اقدام کند. نیروهای خیراندیش و نیکوکار به کمکش می‌آیند و موفقیت او حتمی خواهد بود. منتها قصه‌ها به کسانی که بزدل و تنگ نظرند و کوشش نمی‌کنند هویت خویش را بیابند، اخطار میکنند که ناچار خواهند شد به یک زندگی مائل آور و یکنواخت قناعت کنند. اهمیت شعر برای کودکان و نوجوانان وارد کردن کودکان و نوجوانان به دنیای شعر ضمانتی است برای حفظ خالقیت و تداوم نگاه نوجوی آنها، کودکان و نوجوانانی که با ادبیات بخصوص شعر بیگانه میشوند خیلی زود نگاهشان عادی و به بالی تکرار مبتال میشود هر شعر کمک میکند که کودک و نوجوان دریافت تازه‌ای از جهان به دست آورد کودک و نوجوان با خواندن شعر، با خالقیت، احساسات قوی، نگاههای نو و تجربه‌های زیاد شاعر شریک می‌شود.

اهمیت و ضرورت موضوع میراث فرهنگی ما کمابیش به همان اندازه دارای اهمیت است، به شرطی که به گونه درستی به کودک انتقال داده شود، ادبیات برای کودکان خردسال این وظیفه را به بهترین وجهی انجام می‌دهد در واقع باید گفت توجه به این دیدگاه، ادبیات کودکان سهم بزرگی در رشد و تکامل روح و شخصیت کودک دارد. و منافی که باید از راه آشنایی با ادبیات بدست آورد گام نهادن به مراحل رشد واقعی که به زندگی اش معنای عمیق تری می‌بخشد و خواندن ادبیات برای رشد زبانی، شناختی، شخصیتی، اخلاقی، اجتماعی و ... کودک و نوجوان ضرورت دارد. و در این میان داستان به دلیل مقبولیت عام تأثیرگذارتر است، خواندن داستان درواقع شعری است آسان و کم هزینه که برای مسافر خود تجربه فراوانی به ارمغان می‌آورد. ثمرات داستان برای کودکان و نوجوانان را می‌توان اینگونه نوشت. خواندن داستان کسب تجربه و اطلاعات است تجربه برگرفته از داستان از نوع تجارب تعلیمی محض نیست که کلیشه‌ای انتزاعی و فرار باشد. خواندن داستان عین زندگی کردن تجربه عمل است نه تعریف عمل. کتاب می‌تواند نقشی همچون آینه را برای کودکان و نوجوانان بازی کند به این معنا که بازتاب دهنده

ویژگیهای ظاهری، روابط، احساسها و اندیشه‌های تابان در پیرامونشان باشد. همچنین کتاب می‌تواند چون پنجره‌های رو به جهان باشد که کودک و نوجوان را به نگاه فراتری از پیرامونشان دعوت کند تا با شخصیت‌ها و شرایط پیوند برقرار نماید. داستان وسیله انتقال و شناخت میراث فرهنگی است، کودکانی که داستان می‌خوانند کمتر اتفاق می‌افتد دچار خودباختگی فرهنگی شوند. لذت و سرگرمی ضروری‌ترین عامل برای تضمین سلامت روح و روان کودک و نوجوان است. داستان بدون تردید، پرکننده اوقات فراغت کودکان و نوجوانان است. ادبیات کالاً ماهیت دوگانه دارد. یعنی هم امکان لذت بردن را فراهم میکند و هم شناخت را گسترش میدهد. رشد و گسترش دامنه تخیل فایده دیگر داستان است، شخصیت‌های داستان در حین عمل، دست به نوعی فرافکنی می‌زنند و حالت و اعمال خود را به خواننده نسبت میدهند این خاصیت به شکل ناخودآگاه و از طریق تخیل در خواننده اتفاق می‌افتد خواننده در این فرایند تخیل خود را به جای تک تک شخصیت‌ها می‌گذارد و با آنها هم ذات پنداری میکند.

نقش ادبیات در رشد شخصیت کودکان کودکان، این غنچه‌های زیبای زندگی در بیش تر اوقات با قهرمانان و شخصیت‌های قصه‌های خود همراه میشوند و با خالقیت‌هایی که گاه به جای قهرمان قصه‌ها از خود بروز میدهند به تقویت مهارت‌های خود در زندگی می‌پردازند. کودکان از طریق کتابهایی که می‌خوانند یا شعرها و قصه‌هایی که می‌شنوند، بینش و اطلاعات وسیع تری پیدا می‌کنند و در همین مسیر، هوشیار، دارای اعتماد به نفس و مسلط به دنیای اطراف خود خواهند شد. متأسفانه در کشور ما به رغم وجود گنجینه‌های علم و معرفت، داستانها و افسانه‌های زیبا و آموزنده، گروهی از اولیا و مربیان بیشترین زمان خود را برای مسائل آموزشی در نظر می‌گیرند و بخش عمده‌ای از دانش آموزان، در خانه و مدرسه، اغلب اوقات خود را صرف یادگیریهای غیرفعال، به حافظ سپردن مفاهیم درسها و هم چنین اضطراب امتحان و نمره می‌کنند و گاه ممکن است از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان‌های خالق، مبتکر و کارآمد است، باز بمانیم. ادبیات، کودک را در همه اوقات زندگی پرورش میدهد و تقویت میکند و باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او میشود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او میبخشد. داستانها و اشعاری که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند، اثر عمیقی در فکر و روحیه آنان میگذرد و ایشان را برای مواجهه با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آنان را یاری می‌کند. ادبیات کودک، به ویژه در زمینه‌های زبان آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان، نقشی قاطع دارد. هدفهای برنامه ادبیات کودکان در آموزش و پرورش این گروه سنی عبارت‌اند از: ۱- کمک به پرورش قدرت بیان و عواطف و افکار کودکان. ۲- تقویت و پرورش نیروی تخیل در کودکان. ۳- تحریک قوه ابتکار و ابداع در کودکان. ۴- ایجاد عشق و علاقه به مطالعه کتاب‌های سودمند در آنها. ۵- رشد اعتماد به نفس در کودکان و علاقه مند ساختن آنها به آزادی و عدالت اجتماعی.

هنر و دیگر جنبه‌های تربیتی

هنر می‌تواند در رشد و پرورش ابعاد مختلف شخصیت نقشی مؤثر داشته باشد، نمونه‌هایی عمده از آن عبارتند از: پرورش استعدادهای هنری و ارضاء و پرورش زیبایی دوستی در کودک - پرورش عاطفی کودک، در تأثیرپذیری و نحوه ابراز واکنش‌های عاطفی، کنترل عواطف و هیجانات و بازسازی شخصیت در موارد مذکور. چنان که نوع دوستی، ابراز محبت به دیگر افراد، تأثیرپذیری از مصائب و مشکلات دیگر انسانها، همدردی با دیگران، عدالت خواهی، حق طلبی و پایداری در مقابل مظالم و بیعدالتیها میتواند، مواردی از این تأثیرات محسوب گردد.

– ایجاد و تقویت گرایشهای خاص نسبت به افراد و امور مختلف و ایجاد و تقویت نظام ارزشی اخلاقی موردنظر. – پرورش قوه تخیل، خالقیت، تفکر، درک و بیان. – ارضای نیازهای روانی کودک. – ایجاد و تقویت حس خودپذیری، خوددوستی، احترام به خویش، اعتماد به نفس در کودکان مخاطب. – توجه دادن نسبت به دیگران، کمک به درک ارزشمندی و کارآیی دیگر افراد، درک لزوم همکاری، تعاون و مشارکت با یکدیگر در حل مشکلات و رسیدن به هدفهای مطلوب. تأثیرات فوق می‌تواند با استفاده از آثار هنری مناسب صورت پذیرد. همچنین مشارکت دانش آموزان در تهیه و ارائه برنامه‌ها و آثار هنری موردعلاقه، در این زمینه نقشی درخور توجه دارد.

نقش هنر در آموزش هنر، ادبیات و زبان آموزی: از مهمترین کاربردهای ادبیات و هنر نقاشی است که در پرورش ذوق هنری، حسی، زیبادوستی، پرورش خالقیت و رشد استعدادهای هنری و مواردی چون رشد تکلم و گویایی، افزایش میزان واژگان و گنجینه لغات کودکان دارد.

استفاده از نمونه‌های مناسب و آثار هنری ویژه کودکان موجب پرورش قدرت «درک و بیان» کودکان خواهد شد. زبان به عنوان مهمترین عامل ارتباط با دیگران و اجتماعی شدن فرد – نیز از مهم ترین عوامل در تفکر – می‌تواند با استفاده از آثار هنری مناسب تقویت گردد. چنان که افزایش قدرت نگارش، تکلم و سخنوری در کودک از تأثیرات استفاده از هنر به شمار می‌رود. از این رو «ادبیات و هنر» می‌تواند به عنوان وسیله‌ای کارآمد، برجسته ترین خدماتها را در پیشبرد اهداف مربوط به «ادبیات و هنر» و آموزش آن داشته باشد.

منابع؛

- (۱) مجله پیوند، شماره‌های ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹
- (۲) ادبیات کودکان و نوجوانان، مصطفی رحماندوست، ۱۳۷۲
- (۳) آموزش زبان و ادب فارسی، بهار ۱۳۸۰
- (۴) کودک از نظر وراثت و تربیت، ۱۳۶۸، هیئت نشر معارف اسلامی

Study Social Function of Poetry and Literature

Soheila Kabiri

Master of Literature; Persian language and literature, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Abstract

Since art is a product of human thought and feeling, it has a history as long as human creation. This feature, which is an incomparable jewel of the highest aspects of the distinction between man and animal, and from this point of view, it is a great miracle of creation that God has sent to the creator himself, is proud of it (blessings of God, the Most Merciful) and the literature that Its ability to be considered as the highest manifestation of artistic manifestation is due to its age and along with the creation and intellectual, social and cultural development of man, it has rubbed shoulder to shoulder in history. No one really knows which person expressed the first literary sentences and in which era? But didn't Adam Abul-Bashr try in his supplicating prayers to praise God with a more beautiful and different word from the usual words and ask for forgiveness for his sin? Ever since the early man turned to the caves and tried to paint his menus on the stone walls, he knew that he had to find a more effective means to express what was going on inside him, and this need was the primary exercise of art and, accordingly, literature. . "Will Durant" says about the birth of literature: "The beginning of the stage of humanity should be considered when the word and speech were born. It was through this means that human humanity was revealed. Literature, despite what comes from this word itself and implies writing and letters, at the beginning of its creation, there were mostly words that were spoken, not letters that were written. Literature originates from religious songs and magical spells, which were usually recited by priests and passed from mouth to mouth. With the formation of the first human communities and the growth of human intellectual and emotional relationships, literature has also taken place in different forms to be the result of human inner concerns. Literary words, which started with religious rhythmic hymns, were gradually woven and expanded, and over the centuries, different parts of literature such as stories, proverbs, religious and epic legends, literary prose, and finally poetry, which is the highest type of literature. created and each of these types gained a strong position among different strata of society and were tied to the daily life of human beings as if they were accompanied and matched with the necessities of life such as water, food, shelter and air, and poetry and In this context, poetic words have stolen the lead from other types. With a brief glance at the history of literature, we can clearly see the traces of poetry in all ages and among all strata of society. From the mosque, church, and synagogue to the coffee house, bazaar, and sultan's court, poetry with its special function is present everywhere.

Keywords: Social Function of Poetry; the Literature
